

سالگرد یک قتل عام

براساس مفاد کنوانسیون و اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد (مصوب 1946/12/10 مجمع عمومی سازمان ملل متحد) اقدام ارامنه علیه ساکنان غیر نظامی و بی دفاع خوجالی براساس تعاریف موجود قتل عام و جرم محسوب می شود

خبرگزاری آران
خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

دکتر بهرام امیراحمدیان در مطلب تازه خود در وبلاگ نخبگان خیرآنلاین به سالگرد هجوم ارامنه به مردم بی گناه جمهوری آذربایجان و قتل عام گسترده افراد بی دفاع غیرنظامی، پرداخته است. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران در مطلب خود نوشته است: 20 سال قبل در چنین روزی با هجوم ارامنه به مردم بی گناه خوجالی (شهرکی در منطقه قره باغ کوهستانی، قتل عام گسترده ای علیه افراد بی دفاع غیرنظامی صورت گرفت. در 20 سال قبل در چنین روزی با هجوم ارامنه به مردم بی گناه خوجالی (شهرکی در منطقه قره باغ کوهستانی در ترکیب دولت جمهوری آذربایجان که اکنون توسط ارتش ارمنستان به اشغال در آمده است)، قتل عام گسترده ای علیه افراد بی دفاع غیرنظامی صورت گرفت که یاد و خاطره غم انگیز آن همه ساله در سراسر جمهوری آذربایجان به شکل گسترده ای گرامی داشته می شود و در کلیه نمایندگی های سیاسی جمهوری آذربایجان در سراسر گیتی مراسم رسمی یادبود برگزار می گردد. بر اساس مصوبه دولت جمهوری آذربایجان در سال این قتل عام و نسل کشی تاثر انگیز به عنوان روزی عزای ملی در سراسر جمهوری آذربایجان اعلام شده و در این روز یک دقیقه سکوت برای قربانیان آن برگزار می شود. خوجالی شهرکی کوچک در منطقه قره باغ کوهستانی در سر راه بین خان کندی و اقدام است.

جنگ ارمنستان علیه جمهوری آذربایجان در آستانه فروپاشی اتحاد شوروی از سال 1988 آغاز شد، زمانی که پارلمان استان خودمختار قره باغ کوهستانی (معروف به ناگورنو قره باغ= وازه ای روسی برای قره باغ کوهستانی) خواستار استقلال یا پیوستن به جمهوری ارمنستان شد. نهادهای قانونی جمهوری آذربایجان از جمله پارلمان آذربایجان این مصوبه را در چارچوب اختیارات قانونی خود ملغی اعلام کرد. ارامنه قره باغ با کمک گرفتن از ارمنستان و یاری جستن از نیروهای نظامی شوروی سابق (عمدتا لشکرهای 366 روسی مستقر در قفقاز بویژه آذربایجان- بنا به ادعای منابع آذربایجانی)، مناطق مختلف قره باغ و نواحی پیرامون را اشغال کردند.

در روز 25 فوریه سال 1992 در ساعات پایانی روز و ورود به بامداد 26 فوریه، نیروهای ارمنی با کمک نیروهای نظامی لشکر 366 شوروی سابق (عمدتا روسها = بنا به اظهار منابع آذربایجانی)، وارد خوجالی شدند و ضمن اشغال این شهرک 2500 نفری آن را به آتش کشیده و تعداد زیادی از ساکنان ناگزیر به فرار شدند و تعدادی دیگر از جمله 613 نفر عمدتا زن و کودک و مردان و زنان میانسال و کهنسال به طز فجیعی از سوی قوای مسلح ارمنی قتل عام شدند. این قربانیان شامل 63 کودک، 106 نفر زن، 70 پیرزن و پیرمرد می شود. در این قتل عام 613 شهروند ساکن خوجالی به قتل رسیدند که ضمن آن اعضای 8 خانواده همگی کشته شدند، 25 کودک پدر و ماد خود را از دست داد، 130 کودک یکی از والدین خود را از دست داد. در این قتل عام از بین 487 نفر که با گلوله مستقیم زخمی شدند، 76 نفر کودک بودند. از کل ساکنان شهر 1275 نفر بدست ارامنه اسیر شدند و 150 نفر نیز مفقود الاثر گردیدند. مجموع خسارات وارد شده به دارایی ها و املاک ساکن شهر در آن روز به قیمت جاری واحد پول آن وقت به 5 میلیارد روبل برآورد شده است.

براساس مفاد کنوانسیون و اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد (مصوب 1946/12/10 مجمع عمومی سازمان ملل متحد) اقدام ارامنه علیه ساکنان غیر نظامی و بی دفاع خوجالی براساس تعاریف موجود قتل عام و جرم محسوب می شود. موادی از این اعلامیه در ارتباط با موضوع خوجالی عبارتند از:

ماده 2- هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر، و همچنین منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه ی آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد.

به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومیت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده 3- هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده 9- هیچ کس را نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد.

ماده 17- 1) هر شخص به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد؛ 2) هیچ کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

با وجود قطعنامه های شماره 822 مورخ 30 آوریل 1993، 853 مورخ 29 ژوئیه 1993، 874 مورخ 14 اکتبر 1993، 884 مورخ 12 نوامبر 1993، شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره تخلیه اراضی اشغالی آذربایجان از سوی ارمنستان، و هم چنین مصوبات متعدد مجمع عمومی سازمان ملل متحد در این زمینه، متأسفانه این قطعنامه ها ضمانت اجرایی نیافته و نه تنها منطقه قره باغ کوهستانی بلکه 7 شهرستان جمهوری آذربایجان در پیرامون و خارج از منطقه قره باغ نیز در اشغال ارامنه باقی مانده است. از سال 1994 آتش بسی بین دو کشور زیر نظر گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا به عنوان بازوی سازمان ملل متحد در منطقه تحت نظارت فرانسه، روسیه، آمریکا برقرار گردیده است. در شرایط کنونی جمهوری آذربایجان با جمعیتی سه برابر ارمنستان و در آمد ناخالص داخلی چند برابر نسبت به ارمنستان و انگیزه جنگ به جهت بازپس گیری سرزمینهای اشغالی و با توسعه و رشد اقتصادی و درآمد بسیار و ایجاد ارتشی ملی قدرتمند و مدرن با تسلیحات پیشرفته و کافی، از محل هزینه کرد درآمدهای سرشار نفتی از همه نظر امکان حمله گسترده نظامی و بازپس گیری سرزمینهای اشغالی را داراست. با این وجود آذربایجان با اعلام موضع رسمی در باره اجتناب از جنگ و حل مساله از مجاری دیپلماتیک خواستار تخلیه اراضی اشغالی است. تمامیت ارضی و تعلق سرزمین قره باغ کوهستانی به جمهوری آذربایجان از سوی مجامع بین المللی و بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است.

از آنجا که پس از فروپاشی شوروی دولت فدراسیون روسیه به عنوان کشور جایگزین، کرسی شوروی سابق در سازمان ملل و مجامع بین المللی را کسب کرده است، پرسشی در پیش رو قرار می گیرد که آیا فدراسیون روسیه در قبال بکارگیری ارتش خود (شوروی) مستقر در قره باغ و ارمنستان و کمک به ارامنه در کشتار ساکنان خوجالی باید مقصر شناخته شده و پاسخگو باشد؟ آیا حضور نظامی کنونی روسیه در پایگاه های نظامی ارمنستان (به عنوان کمک به تداوم اشغال) می تواند سبب ادامه اشغال قره باغ باشد؟ این پرسشها و برخی دیگر، جامعه جهانی را در برابر بحران قره باغ به تفکر وا می دارد. جمهوری آذربایجان سرزمینی است که حدود 20 درصد از قلمرو آن در اشغال ارامنه است. آیا دولتهای دیگر تحمل اشغال سرزمینشان از سوی اشغالگران را دارند؟ قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل دایر بر تخلیه اشغالی اراضی فلسطین از سوی اسرائیل نیز همین پرسشها را پیش رو قرار می دهد. چرا اشغال کوبت از سوی سازمان ملل و ایالات متحده به سرعت و در مدتی کوتاه رفع ولی اراضی اشغالی فلسطین و قره باغ هم چنان در اشغال باقی مانده اند؟ آیا سازمان ملل متحد و شورای امنیت توان پاسخگویی به نظم جهان را دارا نیست؟ اگر پاسخ و عملکرد قاطعی نسبت به اشغال فلسطین و قتل عام توتسی ها در روآندا و کشتارهای فرقه گرای در شبه قاره و افغانستان و دیگر قتل عام ها داده می شد، امروز شاهد گسترش افراط گرایی و توسعه تروریسم بین الملل نبودیم، پدیده ای که سراسر جهان را به آشوب کشیده و از شرق تا غرب جهان را در بر گرفته است. به قول سعدی بنیاد ظلم در جهان اندک بود، هر کسی بر آن چیزی افزود تا بدیسان بزرگ گشت. /خ

